Scientific Journal Research in Islamic Education Issues

An analysis of educational approaches of affection from Imam Khomeini's point of view

Reza Ali Nowrozi [1] | Reyhaneh Dadkhah [2]

57

Vol. 15
Winter 2023

Research Paper

Received: 09 February 2021
Revised: 18 October 2021
Accepted: 19 October 2021
Published: 21 January 2023
P.P: 293-317

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196

Abstract

Affection manifests itself in various forms under the influence of sensuality, and human actions and behavior are affected by it. Therefore, in this research, it has been tried to use the method of qualitative content analysis, after expressing the way of affection under the sensual powers based on the thought of Imam Khomeini , three educational approaches of extreme, extravagance and moderate are introduced and analyzed separately .

The findings show that affection under the power of lust in the extreme and excessive approaches has caused adultery and monasticism respectively, and in the moderate approach, it appears as love between spouses, parents and children in the family center .

Affection under the power of anger in an extreme form will result in friendship with the enemy and in an extravagance state, rejection of deviants and wrongdoers and it appears in the society only in the reasonable appearance of "mercy on the infidels and mercy between them ."

And finally , affection under the power of illusion causes love and abandoning the world in an extreme form, and in a moderate approach, the love of God appears in the heart of creation.

Keywords: Affection ; Educational Approaches; Imam Khomeini.

DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.57.9.0

1. Corresponding author: Associate Professor, Department of Educational Sciences, Isfahan University, Isfahan, Iran. Nowrozi.r@gmail.com
2. PhD student, Department of Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Isfahan University, Isfahan, Iran.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0) .

نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی

۵۷

سال سی‌ام
زمستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۱ بهمن ۱۳۹۹
تاریخ بازنگری: ۲۶ مهر ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۲۷ مهر ۱۴۰۰
تاریخ انتشار: ۰۱ بهمن ۱۴۰۱
صص: ۳۱۵-۲۹۱

شاپا چاپی: ۲۲۵۱-۶۹۷۲
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۱۹۶

تحلیلی بر رویکردهای تربیتی محبت از دیدگاه امام خمینی(ره)

رضاعلی نوروزی[۱] | ریحانه دادخواه[۲]

چکیده

محبت، تحت قوای نفسانی به صورت‌های مختلفی بروز می‌کند و اعمال و رفتار آدمی از آن تأثیر و تأثر می‌پذیرند. لذا در این پژوهش سعی شده است که با روش تحلیل محتوای کیفی، پس از بیان نحوه بروز محبت ذیل قوای نفسانی بر مبنای اندیشه امام خمینی(ره)، به‌طور جداگانه سه رویکرد تربیتی افراطی، تفریطی و اعتدالی معرفی و تحلیل شوند. یافته‌ها نشان می‌دهد که محبت ذیل قوه شهویه در رویکرد افراطی و تفریطی به ترتیب موجب زنا و رهبانیت گشته و در رویکرد اعتدالی به‌صورت محبت بین همسران، و والدین و فرزندان در کانون خانواده بروز می‌کند. محبت ذیل قوه غضبیه به‌صورت افراطی دوستی با دشمن و به حالت تفریطی طرد منحرفان و خطاکاران را در پی خواهد داشت و تنها در رویکرد اعتدالی به‌صورت معقول «اشداء علی الکفار و رحماء بینهم» در جامعه ظاهر می‌گردد و در نهایت محبت ذیل قوه وهمیه به‌صورت افراطی و تفریطی سبب حب و ترک دنیا شده و در رویکرد اعتدالی حب خداوند در قلب مخلوق بروز و ظهور می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: محبت؛ رویکردهای تربیتی؛ امام خمینی(ره).

DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.57.9.0

۱. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران R.noroui@edu.ui.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری، رشته فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسندگان

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

نظام عالم هستی براساس تعادل و توازن آفریده شده و اصل اعتدال و هماهنگی میان تمام اجزای هستی ساری و جاری است. انسان، به‌عنوان جزئی از اجزای این عالم، می‌بایست در جهت هماهنگی گرایش‌ها، علایق، احساسات، عواطف، تمایلات درونی، رفتار و روابط خود تلاش کند و قوای نفسانی‌اش را با تربیت صحیح تحت تدبیر عقل سلیم و شرع، در حالت تعادل قرار دهد. در دنیای امروز، به‌دلیل فقدان تربیت صحیح، برقراری این تعادل و توازن در قوای نفسانی، برای بسیاری از افراد، سخت و حتی گاه دست‌نیافتنی است. ازاین‌رو مسئله پژوهش حاضر، چگونگی دستیابی به اعتدال بین عواطف، به‌ویژه محبت به‌عنوان پایه و اساس همهٔ کمالات و مقامات انسان است. محبتی که در حد نیاز آدمی بوده و از هرگونه افراط و تفریط بر حذر باشد. چرا که کمبود محبت و بی‌توجهی نسبت به یکدیگر، تنهایی بیش از حد و عدم ارضای عاطفی، سرکوب شخصیت فرد و عدم تشویق و تحسین او و ... باعث ایجاد تشویش و اضطراب در انسان می‌گردد. این تشویش‌ها و کمبودها فرد را به سمت تخلیه ناگهانی و هیجانی، جنون جنسی، فساد اخلاقی و ارتقای خشونت در رفتارهای فردی و اجتماعی می‌برد. از طرف دیگر افراط در محبت نیز آثار و عوارض نامناسبی به همراه دارد. محبت افراطی، صلابت شخصیتی فرد را در هم می‌ریزد؛ آدمی با کوچک‌ترین ناخوشی و ناملایمتی فرو می‌شکند و با پایین‌ترین حد آستانه تحمل به عنصری سست و ضعیف تبدیل می‌شود. محبت متعادل به مدد عقلانیت و با پشتیبانی فکر و اندیشه، شکل گرفته و سلامت روحی و روانی و تعادل شخصیتی و اجتماعی را برای افراد به همراه خواهد داشت.

دلیل ضرورت توجه و تأکید به این بحث آن است که محبت از مؤثرترین و کارآمدترین روش‌ها در تربیت بوده؛ چرا که محبت جاذبه می‌آفریند، انگیزه خلق می‌کند، انسان‌های پرتلاطم را آرامش می‌بخشد، فرزندان نابهنجار و ناسازگار با محیط خانواده و اجتماع را آرام می‌کند. ارضای این نیاز به‌صورت متعادل موجب آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتمادبه‌نفس و حتی سلامت جسمی فرد می‌شود. این امر برای سیاستمدار و هدایتگری که قصد اصلاح جامعه و هدایت انسان‌ها را دارد، نیز شرط اساسی و مهم است؛ زیرا قلوب مردم با محبت و رفاقت نرم می‌شود و قلوب رام، موجب رام شدن قوای ظاهری و باطنی انسان شده و به همدلی و دوستی و رفاقت منجر می‌گردد.

محبت، وحدت آفرین و عامل پیوند و ایجاد همبستگی بین افراد است و اگر انس و الفتی در بین انسان‌ها نباشد، هیچ تعادل و ایثاری شکل نمی‌گیرد. محبت از اصول مهم اسلامی در نظام اجتماعی و تربیتی می‌باشد و در صورتی که رعایت نشود و ارشاد و هدایت با عصبانیت، خشونت و تندخویی همراه باشد، نه تنها امر تربیت محقق نخواهد شد، بلکه موجب شدت و ازدیاد خطای افراد گردیده و چه بسا خطای کوچک را به خطایی بزرگ مبدل سازد.

مبانی نظری

نویسندگان مقاله حاضر برای رفع حل مسئله پیش رو به اندیشه امام خمینی(ره) رجوع کرده‌اند. بر مبنای اندیشه امام خمینی(ره)، انسان در آغاز، حیوانی بالفعل است و تنها در اثر تربیت، قوای سه‌گانه او تعدیل می‌گردد. آدمی تنها تحت فرمان عقل و دستور شرع و تعالیم و آموزه‌های دینی از حالت حیوانیت و هرگونه افراط و تفریط دور می‌گردد و انسانیت نهفته در وجودش رشد یافته، تقویت گشته و رو به تکامل می‌نهد. در این حال عواطف فرد به ویژه محبت او نیز بر پایه خرد استوار شده و در جهت حفظ نفس خواهد بود نه حظ نفس. چنین محبتی از هرگونه بهره‌مندی‌های نفسانی و غرض‌های مادی پیراسته شده و با رویکرد اعتدالی موجب تعالی نفس، عزت و کرامت انسانی می‌گردد و در نهایت سعادت جامعه را در پی خواهد داشت.

سخن گفتن از تربیت، بدون انسان‌شناسی و توجه به ابعاد وجودی و استعدادهای فطری و قابلیت‌های ذاتی انسان، ناقص و بیهوده است. به فرمایش امام(ره) آگاهی از ابعاد وجودی انسان است که می‌تواند برایش تربیت واقعی را به ارمغان آورد؛ به‌عبارت دیگر کسی که از تمام ابعاد وجودی انسان آگاهی داشته باشد، توانایی تربیت صحیح را دارد و این فقط مختص انبیاء الهی است (صحیفه امام، ۱۳۸۵، ج ۸: ۲۶۷). بنابراین انسان‌شناسی و معرفه النفس، در نظر امام خمینی(ره) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و ایشان همواره در نوشتار، گفتار و رهنمودهای خویش بدین مهم توجه ویژه‌ای داشته و ابعاد مختلف وجود انسان، حقیقت نفس و اهمیت آن را خاطر نشان ساخته‌اند.

مراد از نفس، همان عنصر ملکوتی است که در عین ارتباط با بدن، وجودی مستقل از آن دارد؛ زیرا موجودی مجرد و غیرمادی است ولی بدن، موجودی مادی و غیرمجرد است (امام خمینی،

۱۳۸۸: ۵). نفس، ویژگی‌هایی دارد که بدن فاقد آن‌هاست. نفس، موجودی با شعور و آگاه است که پس از جدایی از بدن به حیات خویش ادامه می‌دهد و در آن واحد صور مختلفی را می‌پذیرد؛ در حالی که بدن در آن واحد بیش از یک صورت را نمی‌تواند دارا باشد. هر چه از عمر نفس بگذرد، قوی‌تر می‌گردد، در حالی که بدن فرسوده گشته و رو به کهولت می‌رود (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۹۹). نفس از بدن به‌عنوان یک ابزار استفاده می‌کند و بدن را از نابود شدن حفظ می‌کند.

یکی از مباحث موردبحث در مورد نفس، قوای نفس است که منشأ افعال انسانی است. قابل ذکر است که نفس پدیده‌ای واحد ولی قوای نفس متعددند. امام خمینی(ره) دراین‌باره می‌فرمایند: خداوند تبارک و تعالی به ید قدرت و حکمتش در عالم غیب و باطن نفس قوایی خلق فرموده که دارای منافع بی‌شمار بوده و آنچه موردبحث است سه قوه واهمه و غضبیه و شهویه هستند که هر یک از این قوا دارای منافع کثیره به‌جهت حفظ نوع و شخص و تعمیر دنیا و آخرت بوده و سرچشمه تمام ملکات حسنه و سیئه و منشأ تمام صور غیبیه‌ی ملکوتیه‌اند (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۴). قوه واهمه که آن را قوه شیطنت گوییم، در بچه کوچک از اول امر موجود است و به آن دروغ گوید و خدعه کند و مکر و حیلت نماید. دوم قوه غضبیه که آن را نفس سبعی گویند و برای رفع مضار و دفع موانع از استفادات است. سوم قوه شهویه که آن را نفس بهیمی گویند و آن مبدأ شهوات و جلب منافع و مستلذات در ماکل و مشرب و منکح است (اردبیلی، ج ۳، ۱۳۸۱: ۱۴۹).

این سه قوه به حسب سنین عمر آدمی متفاوت بوده و با رشد طبیعی انسان، در او کامل‌تر می‌گردد. البته ممکن است هر یک از این سه قوه در آدمی به حد کمال رسد به‌طوری که هیچ یک بر دیگری غلبه نکند و ممکن است یکی از آن‌ها بر دو دیگر غلبه کند و ممکن است دو تای از آن‌ها بر دیگری غالب شود. ازاین‌رو همان‌طور که این قوای ثلاثه، طرف افراط آن‌ها، مفسد مقام انسانیت است و انسان را گاه از حقیقت انسانیت و گاه از فضیلت انسانیت خارج کند، همان‌طور طرف تفریط و قصور آن‌ها نیز، از مفسدات مقام انسانیت و از رذایل ملکات به شمار می‌رود (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۱۴۹). بنابراین برای هر صفتی و قوه‌ای دارای یک حد اعتدال است که اصل ثمره فاضله آن، ثبت به این درجه است و اگر از این نقطه اعتدال مرکزی به این طرف یا به آن طرف برود، در دو طرف افراط و تفریط قرار گرفته و ثمره فاضله، از آن قوه حاصل نخواهد

گردید (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۳۵۹-۳۵۴). پس عدالت که عبارت از حد وسط بین افراط و تفریط و غلو و تقصیر است از فضایل بزرگ انسانیت است (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۱۵۰)؛ بنابراین هر یک از قوای نفسانی انسان (شهویه و غضبیه و وهمیه) دارای یک حد افراط و تفریط هستند. از سوی دیگر هریک از این قوا را می‌توان در مهار قوه‌ی دیگری و جلوگیری از طغیان آن استفاده کرد و از این طریق می‌توان از آن‌ها در ایجاد تعادل درونی که لازمه‌ی کمال اخلاقی است بهره جست. برای اینکه بتوانیم بین قوا تعادل ایجاد کنیم باید همه‌ی آن‌ها را تحت تدبیر و کنترل عقل و شرع درآوریم.

ازاین‌رو قوه دیگری لازم است که قوه ناصحه و عاقله و ممیزه است و این قوه در مملکت بدن، بعد از سایر قوا حاصل می‌شود و به همین سبب غلبه‌اش بر این قوا سخت است، چرا که او باید قلعه‌گیری کند و طوری مستقر شود که این‌ها را تحت تسخیر حکومت خود بیاورد و حال آنکه این‌ها قبلاً مستقر شده‌اند و خودشان را در صفحه قلب با تمام توابع گسترده‌اند، پس غلبه این‌ها مشکل است و تسلط بر این‌ها بدون ارتیاض نفس -که در حقیقت همان به تضعیف کشاندن این‌هاست- کار دشواری است و اگر این‌ها به هر چه مایل شدند، عنانشان را شل نگه داریم، قوی می‌شوند؛ چون این‌ها سابقه‌ی تصرف در قلب دارند و خارج کردن ریشه‌های وارده این‌ها از قلب، امر مشکلی است. البته قوه تمییز و عقل به تنهایی کافی نیست، لذا حضرت احدیت، انبیا و مرسلین و اولیاء الله و علماء بالله را برای اعتضاد این قوه فرستاده تا بتوانند آن‌ها را لجام کنند و تحت فرمان عقل، بلکه عقل کل و دستور شرع درآورند و آن‌ها را رام کرده و توابع رذیله را از صفحه‌ی دل بردارند (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۳۶۶-۳۶۵) و بر هر فردی لازم است که در جهت کنترل و ایجاد تعادل بین قوا نهایت تلاش خود را به‌کار گیرد تا بتواند قوایی را که خداوند در جهت سیر تکاملی انسان در اختیار او قرار داده در تحت فرمان عقل و شرع به درستی هدایت کرده و در مسیر سعادت گام بردارد.

بر مبنای اندیشه امام خمینی(ره) محبت یکی از جلوه‌های رحمت رحمانیه و رحیمیه حق‌تعالی و از مظاهر عقل بوده و رحمت و عطوفت ذاتی و فطری انسان، او را به محبت و رفاقت با مردم سوق می‌دهد؛ زیرا یکی از مظاهر رحمت و مهربانی بی‌تفاوت نبودن نسبت به گمراهی و کجروی و سرنوشت انسان‌ها و جامعه انسانی است (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۳۲۱-۳۱۸). ازآنجایی‌که محبت هم

می‌تواند تحت قوای نفسانی قرار می‌گیرد و از مسیر ذاتی و فطری خود خارج شود، لذا ایشان متذکر می‌شوند محبت و مدارایی مدنظر شریعت است که بر پایه عقل و خرد باشد و از هرگونه سودجویی، مصلحت‌طلبی و بهره‌مندی‌های نفسانی پیراسته باشد. تا مادامی که محبت فرد به غرض‌های مادی آمیخته باشد نه تنها موجب کمال و سعادت او نمی‌شود چه بسا عزت و کرامت انسانی او و سعادت جامعه را مخدوش می‌کند.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر پژوهش‌های زیادی در زمینه تربیت عاطفی صورت گرفته است که هر کدام به‌صورت جداگانه به مباحث محبت، قوای نفسانی و دیدگاه‌های تربیتی امام خمینی(ره) اشاره داشته‌اند. خسروی (۱۳۹۹) در مقاله «بازشناسی انفعالات نفسانی در نظام اخلاقی غزالی با نظر به دیدگاه ارسطو و تأثیر انفعال محبت به خدا بر سعادت انسانی» بیان می‌کند که غزالی با توجه ویژه به ساحت عاطفی و ارادی نفس، انفعالات را به‌عنوان مبدأ فعل اخلاقی با جنبه معرفتی نفس همراه کرده و معرفت و ادراک را مقدم بر محبت، و خدا را والاترین متعلَّق ادراک، و شایسته عالی‌ترین مراتب محبت و عشق می‌داند. ورمقانی (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی جایگاه محبت و آثار آن در خانواده» محبت را میل دائمی با قلبی شیدا و شیفته نامیده که وجود آن یکی از مهم‌ترین عوامل ثبات و پایداری نهاد خانواده می‌باشد. ترحمی (۱۳۹۸) در مقاله «حب دنیا از دیدگاه امام خمینی(ره) با نگاه به چهل حدیث» مقوله حب دنیا و دنیاگرایی را به‌عنوان مانعی اساسی بر سر راه سلوک الهی می‌داند. لطف اللهی (۱۳۹۸) در مقاله «جهاد نفس از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره)» راهکارهایی چون؛ تفکر، عزم، مشارطه، مراقبه، محاسبه و تذکر را برای رسیدن به قرب الهی و جهاد با نفس مؤثر می‌داند. کریم‌نژاد (۱۳۹۸) در مقاله «نقش تربیتی محبت از نگاه ملا احمد نراقی و هانریش پستالوزی» به دیدگاه و نظر هر یک از این دو اندیشمند به نقش معلم، محبت در آموزش و نوع و روش آموزش پرداخته است. حمیدان پور (۱۳۹۸) در مقاله «آثار تربیتی محبت الهی با تکیه بر آموزه‌های آیات و روایات» مهم‌ترین پیامدهای تربیتی محبت به خدا را؛ معنویت، امنیت، تبعیت، اعانت، صیرورت و ... برمی‌شمارد. نظری (۱۳۹۸) در مقاله «ولایت محبت در اشعار مولانا» به مراتب محبت در نظر مولانا اشاره می‌کند که بر دو مرتبه عام و خاص بوده و معتقد است نور ایمان

و یقین از محبت سرچشمه می‌گیرد و چون آتشی وجود را پالایش می‌دهد، زیرا خلق آدمی با مهر الهی آمیخته شده است. اکبرزاده (۱۳۹۷) در مقاله «محبت؛ رمز سیره امام خمینی(ره)» راز تربیت امام راحل را در انس و صمیمیت با متربی دانسته و به ذکر جلوه‌ها و نمونه‌های این محبت و انس در زندگی ایشان اشاره کرده است.

نگاهی به پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که پژوهش حاضر در سه جنبه دارای امتیاز می‌باشد:

۱. پژوهش حاضر به جمع مباحث محبت و قوای نفسانی پرداخته است، به خلاف اکثر تحقیقات انجام شده که به‌طور جداگانه به آن نظر داشته‌اند.

۲. از نگاه توأمان به محبت و قوای نفسانی انسان، رویکردهای تربیتی در سه سطح افراطی، تفریطی و اعتدالی استخراج شده است.

۳. این پژوهش بر مبنای اندیشه امام خمینی(ره) به‌عنوان تربیت یافته مکتب اسلامی و الگوی عملی نیکو در مباحث تربیتی با رویکرد محبت‌آمیز متعادل در تعاملات انسانی انجام گرفته است.

روش تحقیق

در این پژوهش برای تحلیل رویکردهای تربیتی محبت بر مبنای دیدگاه امام خمینی(ره) از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است؛ چراکه روش تحلیل محتوای کیفی، روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی است که یکی از ویژگی‌های بنیادی آن، نظریه‌پردازی به جای آزمون نظریه است (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۸۲). بدین منظور ابتدا کتب امام خمینی(ره) که مرتبط با موضوع مورد نظر بوده مطالعه شد. سپس محتوای به دست آمده متناسب با شباهت‌ها و تفاوت‌ها تحت عنوان سه رویکرد مقوله‌بندی و موردتحلیل قرار گرفت و از این رهگذر به سه پرسش اساسی پاسخ داد:

۱. رویکردهای افراطی، تفریطی و اعتدالی ذیل قوه شهویه چگونه است؟
۲. رویکردهای افراطی، تفریطی و اعتدالی ذیل قوه غضبیه چگونه است؟
۳. رویکردهای افراطی، تفریطی و اعتدالی ذیل قوه وهمیه چگونه است؟

یافته‌ها

۱. رویکردهای افراطی، تفریطی و اعتدالی ذیل قوه شهویه چگونه است؟

قوه شهویه که از آن به نفس بهیمی تعبیر می‌شود به امورات حیوانی از قبیل رسیدگی به غرایز جنسی و پرخوری دلالت می‌نماید. فایده این قوه، حفظ و ادامه حیات بدن بوده که وسیله تحصیل کمال برای نفس است و فقدان آن در آدمی موجب زوال و نابودی او می‌گردد. قابل ذکر است این قوه در صورتی می‌تواند سبب سعادت انسان باشد که از حد اعتدال و موازین عقلیه و شرعیه تجاوز نکند. زیرا در آن صورت نه تنها سبب حصول سعادت نمی‌شود که مایه شقاوت انسان نیز خواهد بود (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۲۸۰). البته آدم عفیف آن نیست که قوه شهوتش به کلی مرده باشد و هیچ گونه میلی نداشته باشد و اعتزالِ تمام اختیار کند؛ بلکه حد اعتدال این قوه این است که میل‌های نامشروع به حقوق و نوامیس دیگران نداشته باشد و خیال‌های خام به شهوت نبندد (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۳۵۹). طرف تفریط این قوه، خمودی و سستی و حد افراطش حرص، وقاحت، تبذیر و ریاست است.

رویکرد افراطی

محبت در رویکرد افراطی ذیل این قوه جاذبه‌ای است که عین دافعه است؛ چنانکه افعی‌ها با نفس کشیدن، برخی از حشرات را جذب می‌کنند اما نه برای پرورش و کمال، بلکه برای هضم و نابود کردن. امام(ره) صاحبان چنین محبتی را بدین‌گونه توصیف می‌کنند؛ آنان یا هتک حرمت الهیه و خرق نوامیس محترمه نمایند یا خانمان بیچاره‌ای را به خاک مذلت نشانند و نظام عایله‌ای را مختل کرده و کشف اسرار و هتک استار نمایند (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۳۸). گاهی این محبت شدید به رفتاری مرضی تبدیل می‌شود و چه‌بسا با شهوت‌رانی چند روز یا چند ساعت، نظام یک عائله شریفه از هم گسسته شده و طرح بدبختی و بیچارگی آن‌ها تا ابد ریخته شود و چه جنایت و خیانتی بالاتر از آن شود (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۲۸۱-۲۷۷). این محبت از نوع کاذب و از هرگونه حق و حقیقتی به دور است.

یکی از ویژگی‌های بارز اندیشه تربیتی امام خمینی(ره) آن است که این شخصیت بزرگ برای زن ارزش والایی قائل‌اند و او را لایق محبت حقیقی دانسته و آن‌ها که می‌خواهند زن را ملعبه

مردان و جوان‌های فاسد قرار بدهند، خیانتکار خطاب می‌کند. ایشان معتقدند زن‌ها نباید گول بخورند و گمان نکنند که این مقام زن است که باید بزک کرده بیرون برود. این مقام زن نیست، این عروسک بازی است. زن باید شجاع باشد و در مقدرات اساسی مملکت دخالت بکند. زن آدم‌ساز و مربی انسان است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۲۵۴). به زن ظلم بسیار روا داشتند و او را از آن مقام شرافت، عزت و معنویت به یک شیء نزول درجه دادند. به اسم آزادی، آزادزنان و آزادمردان، آزادی را از زن و مرد سلب کردند. زن‌ها و جوانان را فاسد الاخلاق کردند. شاه برای زن این خاصیت را قائل بود که گفت: «زن باید فریبا باشد». البته با آن نظر حیوانی، جسمانی، مادی، حیوان پست که او داشت زن را نظر می‌کرد (امام خمینی،۱۳۸۵، ج ۶: ۱۸۶-۱۸۵). روشن است درجه اعلای تکریم انسان در اندیشه امام تا به‌جایی است که در محبت‌ورزی نیز آن را مدنظر داشته و بر محبتی تأکید می‌ورزند و مقبول می‌شمرند که از روی خرد و دانایی و آمیخته به رحمت و مودت باشد و سودجویی و مصلحت‌طلبی‌های فردی و گروهی در آن دخالت نداشته باشد.

رویکرد تفریطی

یکی از فرازهای مهم که در میان فضایل امام(ره) می‌درخشد و بعد مهمی از عطوفت ایشان را به نمایش می‌گذارد، برخورد گرم، صمیمانه و عاشقانه با مردم است. ایشان با اینکه در مقابل ابرقدرت‌ها و دشمنان خارجی دلی به استقامت کوه‌های پولادین و بلکه با صلابت‌تر از آن‌ها داشتند، آن‌چنان در برابر مردمان رنج‌دیده، ستم‌کشیده و مسلمانان محروم، خاضع و نرم می‌گردیدند که با دیدن مناظر غم‌آلود و صحنه‌های مصیبت‌بار مردم، اشک تأثر را بر صورت پر صلابت آن رهبر عالی‌قدر جاری می‌ساخت و وسعت این قلب به اندازه‌ای می‌گشت که در ملاقات با اقشار گوناگون مردم، به خواسته‌های آنان عنایت خاصی داشته و در خدمت بی‌شائبه به آنان، هرگز احساس خستگی نمی‌نمود. لذا گوشه‌گیری‌های بیجا را منع کرده و می‌فرمایند: رهبانیت، کناره‌گیری از خلق است و اعتزال از لذائذ دنیاست برای اشتغال به عبادت و در اسلام نهی از آن شده است. رهبانیت به این معنی که ترک اجتماع و ترک نساء و بازداشتن قوای شریفه الهیه که حق‌تعالی به انسان مرحمت فرموده از غایت جهل است که نوعا بر آن مفاسد بسیاری مترتب شود (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۳۲۶-۳۲۵). خلوت که در لسان اهل معرفت است، عبارت از گوشه‌گیری و

کناره از خلق نیست، بلکه خلوت به مصطلح اهل معرفت عبارت است از ترک اشتغال قلب به غیر حق.

از مهم‌ترین نیازهای روانی افراد، برخورداری از محبت است و همان‌طور که ارضای این نیاز، موجب آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس و حتی موجب سلامت جسمی می‌شود، کمبود محبت و برخورد تحقیرآمیز همچون ناسزاگویی و ضرب و شتم، عوارضی چون تندخویی و اضطراب، بدبینی، کینه‌توزی، خشونت، بزهکاری و ارتکاب جنایات را در پی خواهد داشت که جامعه را به سوی ناتوانی، ناسالمی و ناهنجاری‌های رفتاری سوق می‌دهد. لذا حضرت امام(ره) می‌فرمایند: بچه‌ای که تحت تربیت مادر نباشد، محبت مادر را نچشد، عقده پیدا خواهد کرد. این عقده‌ها منشأ همه مفاسد است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۹۱). دزدی‌ها، آدمکشی‌ها و خیانت‌ها از این عقده پیدا می‌شود. نباید بچه لطیف ظریف زود متأثر محتاج به محبت مادر از مادر گرفته بشود و در یک جایی دیگر پیش یک اشخاصی که با او بیگانه هستند و بالطبع محبت شان مثل محبت مادر نیست، تربیت بشود.

رویکرد اعتدالی

تنها راه پرهیز از افراط و تفریط، بالا بردن سطح آگاهی و شناخت است؛ امام علی(ع) منشأء افراط و تفریط را نادانی دانست و می‌فرمایند: نادان دیده نمی‌شود مگر آنکه افراط و تفریط می‌کند. انحراف به چپ و راست هر دو غلط و گمراهی است، راه درست طریق میانه است. قرآن نیز امت اسلامی را معتدل می‌داند و نه جاهل و جامد. لذا در رویکرد اعتدالی ذیل قوه شهویه، امام خمینی(ره) بر این باورند که سعادت انسان وابسته به این قوه است، سعادت بنی نوع هم پیوند به این مائده آسمانی است و این قوه در وقتی کفیل این سعادات شخصیه و نوعیه است که از حدود اعتدال تخطی و تجاوز نکند و از تحت موازین عقلیه و الهیه خارج نشود (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۲۸۰). رسالت و دعوت انبیا به ازدواج به جهت جلوگیری از انحراف، شهوات مطلق، مراکز فساد و فحشا بوده و اگر نه با اصل شهوت مخالف نیستند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۵۱۷). اصل شهوت طبیعی است و باید هم کار خودش را انجام بدهد، اما حد و حدودی دارد.

امام(ره) محیط زندگی و محبت و احترام به همسر و فرزندان را بخشی از سلامت و سعادت جامعه آینده دانسته و به زوج‌های جوان توصیه می‌نمودند که: با هم بسازید و با هم رفیق باشید. این

امر رمز موفقیت زندگی است. اگر صمیمیت باشد، حتی اختلاف‌های جزیی پیش نمی‌آید. سعی کنید با هم رفیق باشید. اگر مرد هستی و در بیرون از خانه هزاران مسئله‌داری، وقتی به خانه می‌آیی، ناراحتی‌هایت را پشت در بگذار و سعی کن با لطف و مهربانی داخل خانه شوی. خانم‌ها هم ممکن است در خانه خیلی کارکرده و خسته باشی؛ اما نباید خستگی خود را به شوهرت منتقل کن. به استقبالش برو و زندگی گرمی برای خودتان درست کنید (ستوده، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۷۳). ایشان به فرزندش احمد آقا چنین توصیه می‌کند: به احمد، پسرم وصیت می‌کنم که با ارحام و اقربای خود، خصوصاً خواهران و برادر و خواهرزادگان، با مهر و محبت و صلح و صفا و ایثار و مراعات رفتار کند (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۳۴)؛ و به همهٔ فرزندانم وصیت می‌کنم که با هم یک دل و یک جهت باشند و با مهر و صفا رفتار نمایند.

محبت عامل مهم در سلامت روحی و اعتدال روانی افراد است. استواری شخصیت و سلامت رفتار افراد تا اندازه زیادی به محبتی بستگی دارد که در دوره تربیت از والدین خود دیده‌اند. لذا حضرت امام(ره) توجه ویژه‌ای به خانواده و محبت مادری داشته و می‌فرمایند: شما خانه را دست‌کم نگیرید! تربیت بچه‌ها کم نیست. اگر کسی بتواند یک نفر را تربیت کند، خدمت بزرگی به جامعه کرده است. تربیت فرزند از مرد بر نمی‌آید و این کار، به‌طور دقیق به زن بستگی دارد؛ چون عاطفه زن بیشتر است و قوام خانواده هم باید بر اساس محبت و عاطفه باشد (ستوده، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۷۲). اگر مادرها این بنا را بگذارند که بچه‌هایشان را خوب تربیت بکنند، محیط خانواده را جوری بکنند که بچه قهرا در محیط خانواده خوب بار بیاید، یعنی محیط خانواده یک محیط محبت باشد، یک محیط اسلامی باشد، بچه وقتی که دید پدر و مادر کارهای اسلامی می‌کنند، اخلاق خوب دارند، سازش آن‌ها با هم خوب است، اخلاقشان با هم خوب است، این‌ها خوب بار می‌آیند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۹۱). بی‌شک محیط خانواده آکنده از محبت، سبب تلطیف عواطف و رشد فضایل اعضای خانواده می‌گردد. چنین افرادی به ارجمندی می‌رسند و بهتر می‌آموزند و دیگران را دوست می‌دارند و در اجتماع رفتار انسانی دارند.

۲. رویکردهای افراطی، تفریطی و اعتدالی ذیل قوه غضبیه چگونه است؟

قوه غضبیه که به قوه سبعیه نیز شهرت دارد موجب اصلاح دنیا و آخرت فرد شده و سهم بسزایی در حفظ بقای شخص، نوع و نظام خانواده و تشکیل مدینه فاضله و نظام جامعه دارد (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۲۴۱). وظیفه و مسئولیت این قوه، دفع ضرر از انسان بوده به‌گونه‌ای که زیاده‌روی، تندی قوای شهوی و شیطانی را در هم می‌شکند و در صورتی که در جای خود از آن استفاده گردد و افراط و تفریطی در آن صورت نپذیرد، فضیلت شجاعت از آن پدید می‌آید و اگر به شکل افراط و زیاده‌روی مورد بهره‌برداری قرار گیرد رذیلت تهور و درنده‌خویی و اگر هیچ کارکردی نداشته باشد و در آن تفریط شود، رذیلت جبن از آن حاصل می‌شود (نراقی، ۱۳۸۲: ۱۷۳-۱۰۳). بدون وجود این قوه در انسان و یا حتی نبود حال اعتدال، موجب مفاسد بسیار و معایب بی‌شمار در او می‌گردد که فرد را از رسیدن به کمالات بازمی‌دارد.

رویکرد افراطی

از نگاه امام(ره) حالت افراط و نقص از اعتدال از صفات رذیله بوده و موجب مفاسد بسیاری است. در حقیقت آن‌ها که گمان کردند کشتن قوه غضب و خاموش کردن آن از کمالات و معارج نفس است، خطایی بزرگ مرتکب شده و از حد کمال و مقام اعتدال آن غافل‌اند (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۳۵-۱۳۴). خدای تبارک و تعالی در جمیع سلسله حیوانات این قوه شریفه را عبث خلق نفرموده و در بنی‌آدم این قوه را سرمایه زندگانی ملکی و ملکوتی و مفتاح خیرات و برکات قرار داده. از این جهت است که حکما برای دفع خاموشی و خمودی آن علاج‌ها قرار داده‌اند و برای بیدار کردن و تحریک نمودن آن معالجات علمی و عملی است.

در این رویکرد افراد با افراط و دور شدن از حد اعتدال، با محبت و نوازش‌های غیرواقع‌بینانه موجبات خصلت‌های ناپسند دیگری در اطرافیان خود شده که حاصل روش نادرست آنان، انسان‌هایی پرتوقع، از خود راضی، ضعیف و زود رنجند که در برخورد با کمترین ناملایمات و مشکلات زندگی دچار یأس، عقده حقارت، ناراحتی‌های روانی و فشار شدید روحی می‌گردند. چنین افرادی روحیه مبارزه نداشته و نهایتاً در زندگی به‌راحتی شکست را پذیرا خواهند شد. از نگاه امام(ره) چنین رویکرد تربیتی به صلاح فرد و جامعه نیست، زیرا موجب ترس، ضعف، سستی،

تنبلی، طمع، کم‌صبری و قلت ثبات - در مواردی که لازم است- شده و راحت‌طلبی و خمودی و زیر بار رفتن و انظلام و بی‌غیرتی و کم همتی برای خود و یا عائله‌اش و رضای به رذایل و فضایح پیش می‌آید (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۳۴). ازاین‌رو سبب دوستی، مراوده و صلح با دشمنان اسلام و اجانب است که تسلط آنان بر مسلمین را نتیجه خواهد شد و در مقابل دشمنی و خصومت با سایر جوامع مسلمین بوده که درنهایت وحدت آنان را از بین می‌برد. ایشان می‌فرمایند: «از این جهت که شما می‌خواهید اطاعت امر خدا را بکنید، نهی از منکر کنید، بزرگ‌ترین منکر، غلبه اجانب بر ماست» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۶: ۱۱۶). این منکر را باید نهی کنید. حکومت‌ها را نهی کنید از مخالفتی که با هم دارند و با ملت دارند و با دشمنان اسلام - که خدا فرموده مراوده نکنیم- محبت می‌کنند. الان منکری بالاتر از این نیست که مصالح مسلمین را به خطر انداخته است. این وظیفه همه کسانی است که می‌خواهند برای خدا کار کنند. همه ما باید این دشمنی را نهی کنیم و وحدت اسلامی را شعارمان کنیم.

رویکرد تفریطی

محبت در رویکرد تفریطی ذیل قوه غضبیه شامل روابطی براساس زور و خشونت و برخوردهای خشک، خشن و تند بوده که مفاسد اخلاقی و عقیدتی را موجب خواهد شد. امام خمینی(ره) هرگونه رفتار خشونت‌آمیز را چه در حوزه فردی و چه در حوزه اجتماعی غیرانسانی و غیرالهی بر می‌شمرده و می‌فرمایند: «غضب از ضعف نفس بوده و تزلزل آن، موجب سستی ایمان و عدم اعتدال مزاج روح، محبت به دنیا و اهمیت دادن به آن و خوف از دست رفتن لذائذ نفسانیه می‌گردد» (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۴۲). خشم در اصل نیرویی است دفاعی که خداوند آن را به منظور دفاع از خود و پاسداری از دین حق در انسان گمارده است؛ ولی چون از محور اصلی خود خارج گردید تبدیل به یکی از رذایل بزرگ شده و رذایل مهم دیگری را نیز با خود به همراه می‌آورد. پس اگر انسان برای دفاع از حق خشم بگیرد این از فضایل بوده و ممدوح است؛ ولی اگر خلاف جهت ذاتی این قوه رفتار کند و در راه غیر صحیح استفاده کند آثار سوء بسیاری به بار می‌آورد.

برای جلوگیری از خشم از امام باقر(ع) نقل شده است: فرد خشمگین اگر ایستاده است بنشیند و اگر از خویشان خود خشمگین است، سعی کند به او نزدیک شده و با او تماس برقرار کند زیرا که

خویشاوند وقتی با خویش خود تماس برقرار کند تسکین پیدا می‌کند (عاملی،۱۴۰۴، ج ۲: ۴۶۹). مادامی که انسان غضب کند، چه بسا که از شدت آن از دین خدا برگردد و نور ایمان را خاموش کند و ظلمت غضب و آتش آن عقاید حقه را بسوزاند بلکه کفر جحودی پیدا کند و او را به هلاکت ابدی رساند و وقتی تنبه پیدا کند که پشیمانی سودی ندارد و مفاسد اخلاقی مثل کینه بندگان خدا که از این خلق زاییده شود که گاه منتهی شود به کینه انبیا و اولیا بلکه کینه ذات مقدس واجب الوجود و ولی النعم (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۳۶). معلوم است قباحت و فساد آنقدر عظیم است و بایستی به خدای تعالی پناه برد از شر نفس سرکش که اگر عنانش لحظه‌ای گسیخته شود، انسان را به خاک مذلت می‌نشاند و به هلاکت ابد می‌کشاند.

حضرت امام(ره) در مسئله امر به معروف و نهی از منکر که از مسئولیت‌پذیری انسان و بی‌تفاوت نبودن نسبت به گمراهی انسان‌ها حکایت می‌کند، متذکر می‌شوند که سخن ملایم و نرم و لطیف می‌تواند از تلخی و ناگواری امر و نهی بکاهد؛ چرا که امر و نهی به‌طور کلی در ذائقه‌ی انسان تلخ و ناگوار است تا آنجا که گاه موجب تحریک خشم و غضب انسان نیز می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۳۱۷). ازاین‌رو بر هدایتگران جامعه به‌ویژه بر آمران به معروف و ناهیان از منکر لازم و ضروری است که با حسن خلق و قول نرم و ملایم با خطاکاران برخورد کنند.

انسان به فطرت خود نیازمند محبت است و با هیچ چیزی چون محبت نمی‌توان آدمی را متحول ساخت و او را به سوی کمال سیر داد. محبت سرمنشأ تربیت نفس‌ها و نرم شدن دل‌های سخت است، زیرا با هیچ چیز دیگری مانند محبت نمی‌توان در دل آدمیان راه برد و دل ایشان را به دست آورد و آنان را از سرکشی و نادرستی و پلیدی باز داشت و به بندگی و راستی و درستی وا داشت. امام(ره) بر این باورند که حتی انسان کافر و به دور از عقاید و جهان‌بینی اصیل الهی نیز قابلیت هدایت را دارد (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۶۷). اسلام می‌خواهد افرادی که منحرف هستند، این‌ها را به یک راه راستی، به یک راه سلامتی برگرداند، همه با هم برادر باشند. همه با هم دوست باشند، محبت داشته باشند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۵۰۸). راه توبه و راه‌یابی افراد به پیشگاه نور، همواره باز است و در اسلام هرچه هست برای صلاح حال بشر و ملت‌هاست.

از نگاه امام(ره) برای سیاستمدار و هدایتگری که قصد اصلاح جامعه و هدایت انسان‌ها را دارد محبت شرط اساسی و مهم است و خداوند پیامبر خود را به خاطر داشتن قول نرم و خلق نیک

می‌ستاید و می‌فرماید: «لو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک» اگر ستبر دل و درشت‌خوی بودی مردم از دورت پراکنده می‌شدند و هنگامی که او را بر برای زمامداری بر می‌گزینند به او می‌فرماید: «فاعف عنهم و اسغفرلهم و شاورهم فی الامر» (آل‌عمران: ۱۵۹). از آنانی که در کار تو و در حق تو تقصیر و کوتاهی کرده‌اند نه تنها درگذر و آنان را عفو کن بلکه برای آنان بخشش طلب کن و افزون بر این آنان را نیز مورد مشوت خود قرار ده.

امام علی(ع) نیز بر شیوه الهی- نبوی به نماینده خود مالک اشتر توصیه می‌کند که «واشعر فلبک الرحمه و المحبه لهم و الطف بهم» قلبت را از محبت و رحمت به مردم لبریز گردان و آنان را مورد لطف و عطوفت خود قرار بده؛ و همچون درنده‌خویان با آنان رفتار نکن «لا تکونن علیهم سبعا» زیرا آن‌ها یا برادر دینی تواند و یا همنوع تو در آفرینش‌اند و در ادامه می‌فرمایند: «ولا تقولن انی مومر آمر فاطاع» (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳) هرگز به مردم مگو من امیر شما هستم و به شما فرمان می‌دهم و باید اطاعت کنید. امام خمینی(ره) نیز عدالت و محبت نسبت به زیردستان را موردتوجه قرار داده و می‌فرمایند: با مظلوم‌ها با زیردست‌های خودتان خوب رفتار کنید عادلانه رفتار کنید شما هم به من بگویید همه‌ی ما مسئولیم: کلکم راع و کلکم مسئول. مبادا که یکی از ما خدای نخواسته حالا که آزاد است به آن دوست زیردستش، به آن شخص زیر دستش تعدی بکند، تجاوز بکند (امام خمینی: ۱۳۸۵، ج ۷: ۴۹۱). تعدی و تجاوز عبارت از مواردی است که اسلام منع کرده است.

رویکرد اعتدالی

رویکردی در تربیت مفید و کارساز است که از اعتدال خارج نگردد و به افراط و تفریط کشیده نشود. امام خمینی(ره) محبت اعتدالی ذیل قوه غضبیه را با توجه به آیه: اشداء علی الکفار و رحماء بینهم (فتح: ۲۹) تعریف کرده و می‌فرمایند: این حال اعتدال است که در موقع خود رحمت و شفقت و در موقع خود، شدت و غضب نماید. به‌طوری که اجرای حدود، تعزیرات و سیاسات الهیه که حفظ نظام عالم کند، به موقع در پرتو قوه و قدرت غضبیه انجام شود (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۲۴۵-۲۴۱). ایشان در ضرورت وجود قوه غضبیه در برابر کفار و دشمنان می‌فرمایند: اداره امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود و تعزیرات و سایر سیاسات دینیه و عقلیه جز در سایه قوه شریفه غضبیه ممکن نشود. جهاد با اعداء دین و حفظ نظام عایله بشر و ذب از جان و مال و ناموس

و سایر نوامیس الهیه و جهاد با نفس که اعدا عدو انسان است صورت نگیرد، مگر به این قوه شریفه. حفظ تجاوزات، تعدیات و حدود و ثغور و دفع موذیات و مضرات از جامعه و شخص در زیر پرچم این قوه انجام گیرد. اقدام در امور مهمه هایله و رفتن در میدان‌های جنگ و در موقع خود جهاد با اعداء خدا (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۳۷۰-۳۶۸). از طرفی رحمت و شفقت به دیگران را سفارش و تأکید می‌کنند: در اسلام ما بین اقشار ملت‌ها هیچ فرق نیست. در اسلام حقوق همه ملت‌ها؛ مسیحیین، یهود و زرتشتیین مراعات شده است، تمام افراد عالم را بشر می‌داند و حق بشری برای آن‌ها قائل است. تمام عالم را به نظر محبت نگاه می‌کند، می‌خواهد عالم مستضعفین نجات پیدا کنند، تمام عالم روحانی بشود. تمام عالم به عالم قدس نزدیک بشوند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۴۶۸). اسلام برای نجات مردم بشر آمده است که از این علایق جسمانی آن‌ها را رها کند و به روحیات برسد.

از نگاه ایشان یکی از تفاوت‌های دولت‌های غیراسلامی - دولت‌های طاغوتی- و دولت اسلامی این است و باید هم این باشد که در دولت‌های اسلامی فضای محبت و برادری است و مردم و ارتش از هم جدا نیستند. اسلام می‌خواهد که بازار ما، خیابان ما، خانه ما، بیرون، داخل، همه، یک نظم اسلامی، تعاونی پیدا بکند، محبت‌آمیز باشد؛ محیط محبت باشد. مردم با هم رحیم باشند؛ رحماء بینهم. خودشان با خودشان رحیم، دوست، برادر باشند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۴۹-۴۶). خدای تبارک و تعالی برای مؤمنینی که در خدمت اسلام هستند دو خاصیت نقل می‌فرماید: یکی اینکه بین خودشان محیط محبت است «رحماء بینهم» با هم دوست‌اند، رحیم‌اند، همه به دیگری محبت دارند؛ ولی در مقابل غیر، کفار و اجانب «اشداء» شدید و محکم هستند. بنابراین معنای واقعی نظام توحیدی و دولت اسلامی را ذیل جامعه محبت‌آمیز تعریف می‌کنند.

من امیدوارم که شما شاهد یک دولت اسلامی که مبنایش بر برادری است نه بر حاکم و محکومی باشید، شماها درک کنید و ببینید یک حکومتی که مبنایش بر محبت است؛ مبنایش بر اخوت است؛ مبنایش بر این نیست که یکی بالا باشد و یکی پایین؛ مبنایش این نیست که طبقه‌ای باشد فوق طبقه‌ای دیگر (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۳۵۳). این یک مطلب کلی و سرمشق است برای همه مسئولین که با اهل مملکت خاصه رعیت و مستضعف رفتار برادرانه و رحمت آمیز داشته باشند. ایشان در برخورد با اسیران نیز بر همین رویکرد بوده (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۵: ۷۱) و

می‌فرمایند: افرادی از دشمن که به‌عنوان اسیر در اختیار شما قرار می‌گیرند هرگز مورد خشم و آزار قرار ندهید. همچنان که سنت اسلامی است به اسیران محبت و مهربانی کنید و البته دولت اسلامی به موقع آن‌ها را محاکمه و عدالت را در مورد آن‌ها اجرا خواهد کرد.

۳. رویکردهای افراطی، تفریطی و اعتدالی ذیل قوه وهمیه چگونه است؟

وهم سلطان قوای ظاهره و باطنه نفس است که اگر آن‌ها را به تصرف خود یا شیطان درآورد، این قوا جنود شیطان گردند و مملکت در تحت سلطنت شیطان واقع شود و لشکر رحمان و جنود عقل مضمحل گردند و هجرت نمایند و مملکت خاص به شیطان گردد و اگر وهم در تحت نظام عقل و شرع باشد، مملکت رحمانی و عقلانی شود و شیطان و جنودش از آن رخت بربندند و دامن درکشند (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۶-۵). پس اگر به میزان شرع رفتار کرده و عملش طبق آن باشد، قوه عقلیه در تجرد زیاد می‌گردد و اگر به میزان شرع رفتار نکرده، قوه واهمه زیادتر می‌گردد و به طرف شیطان الکل که وهم الکل است نزدیک می‌شود (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۳۵۹-۳۵۴). لذا مطابق دیدگاه امام خمینی(ره) قوه خیالیه که به آن قوه شیطنت می‌گویند، قوه‌ای است که فطرتاً تحت نظام عقلی در نیامده و مسخر در ظل کبریای نفس مجرد نشده و مایل به دنیاست، طالب ریاست بوده و از تشکیل صور و ترتیب مقدمات در رسیدن به اقتضای ذاتی خود به هیچ نحوی کوتاهی ندارد که تقاضای نامناسب ذات خودش را نداشته باشد (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۳۵۹-۳۵۴). لذا این قوه از حیله و بازی دادن و گول زدن و فریب دادن مردم دست نمی‌کشد، ولو در رسیدن به مقتضای خود هزاران تلفات باشد.

رویکرد افراطی

محبت، نوعی میل و گرایش باطنی به چیزی است که در دیدگاه ما صاحب کمال است. این میل و کشش از صمیمیت، خلوص و عطش شدید به سوی حقیقت برخوردار است. انسان به حسب فطرت اصلی و جبلت ذاتی، عاشق کمال تمام مطلق است و شطر قلبش متوجه به جمیل علی الاطلاق و کامل من جمیع الوجوه است و این از فطرت‌های الهیه است که خداوند تبارک و تعالی منظور کرده است بنی نوع انسان را بر آن و به این حب کمال، اداره ملک و ملکوت گردد و اسباب وصول عشاق کمال مطلق شود. ولی هر کسی به حسب حال و مقام خود، تشخیص کمال را

در چیزی دهد و قلب او متوجه آن گردد؛ اهل آخرت، تشخیص کمال را در مقامات و درجات آخرت داده، قلوبشان متوجه آن‌ها است (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۲۷)؛ اما گاه به علت ضعف چراغ عقل، فروغ آگاهی اندک و برعکس احساسات نیرومند و آتشین سبب می‌شود که انسان، نقص را کمال پنداشته و بر اساس چنین پندار باطلی به آن کمال موهوم علاقمند گردد.

این محبت کاذب و گاها مرضی، وابستگی‌های شدید را به همراه می‌آورد که نتیجه آن به‌طور معمول چندان خوشایند نیست؛ به‌گونه‌ای که انسان‌ها در عشق و محبت به یکدیگر تا حدی پیش می‌روند که تصور فقدان، هجران، بیماری و هر نوع آسیبی برای طرف مقابل را ناممکن و غیرقابل تحمل می‌پندارند. حضرت امام(ره) بر این باورند که نفس انسان به شیوه‌های گوناگون انسان را فریب می‌دهد؛ ازاین‌رو به ذکر نمونه‌های بارز حب نفس می‌پردازد؛ از جمله حب جاه، مقام، همسر، فرزند، ثروت و ... است و در این باره نیز هشدار می‌دهند: بدان که نفس در هر حظّی که از این عالم می‌برد، در قلب اثری از آن واقع می‌شود که آن تأثر از ملک و طبیعت است و سبب تعلّق آن است به دنیا و التذاذات هرچه بیشتر باشد، قلب از آن، بیشتر تأثر پیدا می‌کند و تعلق و حبّش بیشتر می‌گردد تا آن‌که تمام وجهه‌ی قلب به دنیا و زخارف آن گردد و این، منشأ مفاسد بسیاری است (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۲۲). در حقیقت تمام خطاهای انسان و گرفتاری به معاصی و سیئات، از همین محبت و علاقه به دنیاست.

حب دنیا منشأ تشتت خیال و مانع از حضور قلب است (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۴۷). جاذبه زرق و برق دنیا، تنها به سبب زیبایی بصری و سمعی یا زیبایی خیالی و وهمی است و درک این زیبایی‌ها نیز به وسیله گوش و چشم و تأثیر این محبوب‌ها در حد وهم و خیال است. لذا در قرآن کریم درباره چنین محبتی آمده است؛ شما متاع زودگذری را دوست دارید و کسانی که چنین متاعی را محبوب، برگزیده‌اند، در روز قیامت، چهره آنان افسرده است (قیامت: ۲۵-۲۰) و خداوند بت‌پرستان را سرزنش می‌کند که چرا برای خویش معبودهایی انتخاب کرده و همچون پروردگار او را دوست می‌داند (بقره: ۱۶۵). اولیاء خدا نیز که از هر فرصتی برای هدایت و راهنمایی خلق استفاده می‌کنند، پرستش بت‌ها و محبوب‌های کذایی را به ضعف و استخفاف یاد می‌نمایند (یوسف: ۴۰-۳۹). حضرت امام از محبت مذموم نام برده و می‌فرمایند: «محبت مذموم یا محبت به دنیا و ما فیهاست که رأس تمام خطاهای بشری است؛ این محبت که از دوستی به دنیا آغاز می‌شود

و بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود و جای محبوب ازلی و حقیقی را می‌گیرد و نهایتاً به حجاب میان انسان و دار کرامت حق مبدل می‌شود و این محبت و دوستی نتیجه دو قوه شهویه و التذاذیه بشر است که در پی شهوات و لذات، محبوب را از یاد می‌برد» (امام خمینی، ۴۸: ۱۳۷۰). ناچار این حب مانع از فراغت قلب و حضور آن در محضر قدس شود و علاج این مرض مهلک و فساد خانمان‌سوز با علم و عمل نافع است (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۴۸).

رویکرد تفریطی

هر انسانی در امور روزمره خود، بارها دچار افراط می‌شود و چه بسا که بسیاری از این زیاده‌روی‌ها در ابراز احساسات و محبت کردن به دیگران است، اما گاهی افراط، لباسی دیگر بر تن کرده و در اموری مانند: غیرت نادرست، ظن و گمان سوء، بدبینی و ... نمایان می‌شود. حضرت امام(ره) به فرزندش احمد آقا چنین توصیه می‌کند: پسرم! اگر می‌توانی با تفکر و تلقین، نظر خود را نسبت به همه موجودات، به‌ویژه انسان‌ها، نظر رحمت و محبت کن (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۳۵). اخلاقتان را، آدابتان را، معنویاتتان را تقویت کنید به‌طوری که یک انسانی باشید که وقتی که همه عالم را می‌بینید، سعادتشان را بخواهید. یک انسانی باشید که به همه عالم محبت داشته باشید (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۲۴۵). امام خمینی(ره) محبت روحی را بسیار ارزشمند و درخور توجه دانسته‌اند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۲۸۹-۲۸۵). گاهی آدمی به محبت بیش از دارو احتیاج دارد. یک مریضی که از خانه‌اش آمده است در بیمارستان، این مریض خودش را مثل اینکه یک غریب می‌داند. اگر این پرستارها با او با ملایمت، با رفتار انسانی، با محبت، مثل برادر و خواهر با او رفتار کنند، این حس غربت از او منفصل می‌شود و آرامش برایش حاصل می‌شود و این آرامش روحی در بهبودی او کمک می‌کند.

رویکرد اعتدالی

در چنین رویکردی فرد به محبت صادق می‌رسد، محبتی که انسان کمال را درست تشخیص داده و به آن دل می‌بندد و آن محبت به خداوند است. دل مؤمن عرش و سریر سلطنت حق و منزلگاه آن ذات مقدس؛ و صاحب دل، ذات مقدس است. توجه به غیر حق تعالی، خیانت به حق است؛ و حب به غیر ذات مقدس و خاصان او، که حب اوست، خیانت است در مشرب عرفان (امام

خمینی، ۱۳۸۸: ۴۸۰). در محبت الهی، خدای سبحان لطف و فیض منبسط خود را گسترده است تا محب خود را به فضای باز درآورد و به او پروبال بدهد تا پرواز کند. محبت خداوند موجب نشاط انسان می‌شود، چه اینکه انسان، خدا را دوست و محبوب خویش بداند و یا خدا انسان را دوست بدارد، شادابی لازم در زندگی او به وجود آمده، و محرک درونی او برای فعالیت‌های مادی و معنوی به‌ویژه عبادت می‌شود. در حقیقت قلب آدمی، منزلگاه ذات مقدس حق‌تعالی است و تعلق به آن حضرت دارد و مؤمن نباید غیر حق را در آن منزل جای دهد و همه‌ی بدبختی‌ها و گرفتاری‌ها از همین جایگزینی سرچشمه می‌گیرد.

امام خمینی(ره) معتقدند محبت الهی خاص پاکان و خالصان الهی است. آنان که از وابستگی‌های دنیا خود را محفوظ داشته‌اند و در هر چیز سایه و جلوه محبوب را ناظر می‌بینند و در هر بانگی و صوتی صدای معشوق را می‌شنوند. این محبت انسان را نه از مرگ که از دوزخ هم به ناله می‌آورد چون دوزخ واقعی فراق محبوب است و جفای محبوب عین لطف و رحمت است. این عشق انسان را از مرتبه اطمینان و عرفان به مرتبه شهود و عیان راه می‌نماید و حضرت محبوب با تجلی فعلی خود، به سر قلب عارف تجلی می‌کند و او حضور محبوب حقیقی را با تمام وجود حس می‌کند و محبت او الهی می‌شود (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۲۲). هدف نهایی یا برترین هدف تربیتی از دیدگاه امام خمینی، نایل شدن به کمال انسانی است؛ که در پرتو شناخت خداوند، اخلاص برای او، پرستش و در نهایت عشق راستین و شورانگیز نسبت به او حاصل می‌شود. حضرت امام خمینی، نه تنها شناخت و پرستش خداوند را لازم می‌دانند، بلکه این رابطه را به عشق و عاشقی در والاترین معنای آن، ارتقا می‌دهند و هدف اساسی خلقت و یا هدف نهایی تربیت انسان را رسیدن به این مرحله و پاک شدن از انانیت خود و فنا شدن در خداوند و صفات او می‌دانند.

نتیجه‌گیری

از دیدگاه امام خمینی(ره) قوای سه‌گانه نفس (شهویه، غضبیه و وهمیه) میزانی برای فضایل و رذایل می‌باشند. بدین ترتیب که طرف افراط و تفریط هر یک، رذیله و حد اعتدال در هر یک، فضیلتی از فضایل نفسانی است. اگر انسان در این عالم سه قوه مذکور را تعدیل کند و تابع قوه

عاقله و میزان شریعت الهی درآورد در طریق انسانیت سیر خواهد کرد. در غیر این صورت تمام حالات و رفتار وی به‌صورت نامتعادل و نامعقول به گونه‌ای هیجانی و خلاف هنجارها و ارزش‌های جامعه بروز خواهد کرد. از آنجایی که تکیه‌گاه حالات و عواطف آدمی، حب و بغض بوده و اصالت از آن حب و بغض فرع بر آن است و سایر عواطف از این دو سرچشمه می‌گیرند، با تربیت محبت ذیل تعدیل قوای نفسانی می‌توان موجبات ارتقاء ساحت عاطفی فرد را فراهم آورد. نتیجه پژوهش نشان داد که محبت ذیل قوه شهویه ارزش‌های اخلاقی و جنسی را در سطح خانواده رقم خواهد زد. بدین ترتیب که به حالت افراطی زنا، خیانت و روابط نامشروع را در پی داشته که موجب فروپاشی خانواده خواهد شد و در حالت تفریطی با زهد و رهبانیت و کناره‌گیری از یکدیگر عوارضی چون؛ سردی روابط و تندخویی و اضطراب را برای اعضای خانواده شاهد خواهیم بود. با رفتار متعادل و منطقی محبت بین همسران، و والدین و فرزندان ایجاد شده که به تقویت بنیان خانواده کمک شایانی خواهد کرد. افراط در محبت ذیل قوه غضبیه آسیب‌های اجتماعی خطرناک و گاه جبران‌ناپذیری چون؛ صلح و مدارا با دشمن و ابراز ضعف و زبونی در برابر بیگانگان را به همراه داشته و در مقابل رویکرد تفریطی با برخوردهای خشونت‌آمیز موجب عدم بازگشت خطاکاران و منحرفان به جامعه می‌شود. عطوفت در عین قاطعیت و به‌کارگیری محبت بین دوستان و سخت‌گیری برابر دشمن جامعه را به سوی تعاملات متعادل و انسانی سوق می‌دهد. در افراط و تفریط محبت ذیل قوه وهمیه، فرد در تشخیص کمال به خطا رفته و دچار کمال موهوم می‌گردد. او محبت خود (حب نفس) را به جای محبت خدا در دل می‌گیرد و از مسیر حق و کمال حقیقی منحرف می‌شود؛ اما در رویکرد اعتدالی، تحت تربیت همسو با فطرت و مبتنی بر عقل و شرع به کمالی در پرتو محبت حق تعالی نائل می‌گردد.

نتیجه کلی حاکی از آن است که در رویکرد افراطی و تفریطی عواطف انسانی از تعادل خارج شده و مانعی برای رشد و تربیت او می‌گردد و تنها در رویکرد اعتدالی است که انسان درمی‌یابد برای کنترل و ایجاد تعادل در عواطفی که خداوند جهت سیر تکاملی انسان در اختیار او قرار داده، لازم است تحت فرمان عقل و شرع آن را به درستی هدایت کرده و در مسیر سعادت گام بردارد.

جدول ۱: رویکردهای تربیتی محبت از دیدگاه امام خمینی(ره)

	قوا	رویکرد	کنش تربیتی	عرصه بروز	محور بحث
محبت ذیل قوای نفسانی انسان	قوه شهویه	رویکرد افراطی	زنا و فساد اخلاقی	نهاد خانواده	اخلاقی- جنسی
		رویکرد تفریطی	زهد و رهبانیت		
		رویکرد اعتدالی	محبت بین همسران محبت بین والدین و فرزند		
	قوه غضبیه	رویکرد افراطی	محبت و دوستی با دشمن	جامعه	اجتماعی- سیاسی
		رویکرد تفریطی	تندی با منحرفان و خطاکاران		
		رویکرد اعتدالی	اشداء علی الکفار و رحماء بینهم		
	قوه وهمیه	رویکرد افراطی	محبت به دنیا و ما فیها	عالم هستی	دینی- عرفانی
		رویکرد تفریطی	سوءظن و بدبینی		
		رویکرد اعتدالی	محبت به خدا		

پیشنهادات کاربردی

مقایسه نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات مشابه حاکی از آن است که همگی موید یکدیگرند و می‌توانند در زمینه بررسی جامع‌تر محققان آینده را یاری رسانند. چرا که پرداختن به این مهم به صرف یک مقاله حق مطلب را ادا نکرده و نیاز است در قالب‌های گوناگون (مقاله، پایان‌نامه، کتاب و ...) و از زوایای مختلف (آیات و روایات منتسب به شیعه و سنی، از نگاه اندیشمندان بزرگ مسلمان و غیرمسلمان و ...) و در حوزه‌های مختلف علوم انسانی (روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و ...) موردبررسی و واکاوی دقیق قرار گیرد.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاداتی به‌منظور افزایش کیفیت فعالیت‌های تربیتی مرتبط با موضوع موردبحث ارائه می‌گردد. برای تحقق هدف یافته‌ها لازم است برنامه‌های ویژه‌ای برای اعطای بینش، مدیریت گرایشات و در نهایت کنش‌مند شدن متربیان در نظر گرفت.

۱. با توجه به اینکه نظام آموزش و پرورش امروز همراه با عصر فرامدرن رو به جنبه‌های مادی، حصولی و تجربی در فضایی سرد و بی‌روح پیش می‌رود، ضرورت توجه به

عواطف، بعد عاطفی و تلفیق محبت و عاطفه با عقل دانش‌مدار بیش از پیش احساس می‌شود. بنابراین یکی از راه‌های بسیار مؤثر و قدرتمند که مربی می‌تواند در جهت رفع این مسئله از آن بهره گیرد، این است که در طول زمان آموزش با ابراز محبت به‌صورت دلجویی، اظهار یک عبارت محبت‌آمیز، نگاه همراه با لبخند و نشاط، ... قدری محیط را تلطیف کرده و نگاه متربیان را از توجه صرف به ذهن و مسائل ذهنی، به‌سوی روح و قلب تغییر دهد.

۲. پدیده تک‌فرزندی، جامعه امروز را به سوی خودمحوری پیش می‌برد. والدین و مربیان نیز با افراط محبت و فراهم‌سازی آسایش مطلق و برطرف نمودن فوری نیازهای ضروری و گاهاً غیرضروری او، به این مسئله دامن زده و فرد را بیش از پیش در دایره تنگ خود نگه می‌دارند. انجام فعالیت‌ها به صورت گروهی و تعاملی، تقسیم امور، واگذاری مسئولیت دانش‌آموزان مقاطع پایین‌تر به بچه‌های بزرگتر و ... اگر چه فرد را در ابتدا با سختی مواجه می‌کند؛ ولی به تدریج اسباب رشد و تعالی او می‌گردد. او با محبت به دیگران، راهی به سوی دریافت محبت خداوند می‌یابد.

۳. عدم توجه به فعالیت‌های عملی و محدود و محصور شدن در قالب آموزش‌های تئوری و نظری موجب می‌گردد هدف موردنظر به‌صورت ناقص و یا اصلاً محقق نگردد. روش موقعیت‌سازی برای متربیان فضا و بستری را فراهم می‌کند تا آنان با بحث موردنظر به‌صورت عملی درگیر شوند. برگزاری نمایشگاه‌های خیریه، انجام امور داوطلبانه، اردوهای جهادی و اموری از این قبیل باعث می‌شود متربی، محبت خود را در جهت داشته‌ها و خوشی‌های دیگران و شادی آنان به تعادل رسانده و از این رهگذر محبت عظیم‌تری را به‌دست آورد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه. ترجمه محمد دشتی. (۱۳۷۹). قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی حضور.

امام خمینی، روح الله. (۱۳٦۸). **آداب الصلوه**. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

امام خمینی، روح الله. (۱۳۸۸). **شرح چهل حدیث**. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

امام خمینی، روح الله. (۱۳۷۷). **شرح حدیث جنود عقل و جهل**. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

امام خمینی، روح الله. (۱۳۸۵). **صحیفه امام**. جلد ٦،۷، ۸، ۱۱ و ۱۲. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

امام خمینی، روح الله. (۱۳۷۱). **جلوه‌های رحمانی (نامه عرفانی حضرت امام خمینی(ره) به حجه السلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی)**. تهران: معاونت فرهنگی هنری بنیاد شهید انقلاب اسلامی.

امام خمینی، روح الله. (۱۳۷۰). **صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی(ره)**. جلد ۵ و ٦. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

امام خمینی، روح الله. (۱۳٦۹). **سرالصلوه**. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

اردبیلی، عبد الغنی. (۱۳۸۱). **تقریرات فلسفه امام خمینی(ره)**. جلد ۳. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

اکبرزاده نجار، فاطمه؛ رامین، فرح. (۱۳۹۷). محبت؛ رمز سیره امام خمینی(ره). **معرفت**. (۲٥٤). ۳۳-٤۳.

ایمان، محمد تقی. (۱۳۸۸). **مبانی پارادیمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ترحمی، فاطمه؛ مقامی مهربانی، اکبر و حسینی، قاسم. (۱۳۹۸). حب دنیا از دیدگاه امام خمینی(ره) با نگاه به چهل حدیث. **سومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی، مدیریت و روانشناسی**. ایران. تهران.

حمیدان پور، اسماء؛ طباطبایی امین، طاهره سادات. (۱۳۹۸). آثار تربیتی محبت الهی با تکیه بر آموزه‌های آیات و روایات. **بصیرت و تربیت اسلامی**، (۱٦). ۳۳-٦۲.

خسروی، مریم، پورسینا، میترا. (۱۳۹۹). بازشناسی انفعالات نفسانی در نظام اخلاقی غزالی با نظر به دیدگاه ارسطو و تاثیر انفعال محبت به خدا بر سعادت انسانی. **انسان پژوهی دینی**. (٤۳). ۱٥-۲٤.

ستوده، امیررضا. (۱۳۸۸). **پا به پای آفتاب: گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی(ره)**. جلد ۱. تهران: پنجره.

کریم نژاد لالمی، زهرا. (۱۳۹۸). نقش تربیتی محبت از نگاه ملا احمد نراقی و هانریش پستالوزی. **پژوهش و مطالعات اسلامی**. (۲). ۳٦-٤٦.

لطف اللهی، ماهرخ. (۱۳۸۰). جهاد نفس از دیدگاه امام خمینی(ره). **زن مسلمان ایرانی در آیینه الگوی پیشرفت پنجاه ساله**. ایران، ری.

نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۳۸۲). **جامع السعادات**. ترجمه سید جلال الدین مجتبوی. نشر: اسماعیلیان.

نظری، ماه. (۱۳۹۸). ولایت محبت در اشعار مولانا. **عرفان اسلامی**. (۶۰). ۲۷۳-۲۹۲.

ورمقانی، حسن. (۱۳۹۹). بررسی جایگاه محبت و آثار آن در خانواده. **کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق و پژوهش‌های دینی**. ایران، تهران.